



۲۰۱۹/۰۱/۳۱



محمد هدایت

موارد غیر قابل مذاکره در صلح

در این روزها با تلاش هایی که با محوریت ایالات متحده و نماینده خاص آن کشور صورت می گیرد، به نظر می رسد که روش صلح در کشور ما شتاب بیشتری گرفته است. گاهی حتی خبرهایی مبنی بر توافقات مهم و اساسی میان دو طرف به نشر می رسد. این جریان از یک جهت مایه خوش حالی و مسرت مردم کشور گردیده است. زیرا هیچ کسی در این کشور نیست که طعم تلخ جنگ، خشونت، برادرکشی و آوارگی را ندیده باشد. حتی کودکان این سرزمین نخستین آرزوی شان این است که در کشور ما روزی صلح فراگیر و پایدار برقرار گردد و ما دیگر شاهد منازعات خونین در کشور خود نباشیم. در این موضوع هیچ شک و تردیدی وجود ندارد و هیچ کسی مخالف صلح نیست.

به موازات این تلاش ها و خوش بینی ها و خوشحالی ها، پریشانی های جدی نیز به وجود آمده است. پریشانی اساسی مردم و نهادهای مدنی و حقوق بشری به خصوص در این است که مبدا ارزش های مندرج در قانون اساسی و دستاوردهای سال های اخیر در زمینه حقوق بشر، حقوق مردم، آزادی بیان، آزادی زنان و... به بهانه صلح قربانی گردد. برای مردم افغانستان ارزش های مورد قبول جامعه امروزی و دستاوردهای سال های اخیر از آن جهت حایز اهمیت است که ما یک بار حکومت طالبانی را تجربه کرده ایم. دوره طالبانی در تاریخ افغانستان به قدری سیاه و ننگین است که هیچ کسی خواهان برگشت به آن دوره نیست. گروه طالبان و گروه های تروریستی مشابه آن هنوز از خود یک تجربه انسانی در هیچ جای دنیا به یادگار نگذاشته اند که مردم را برای یک زندگی انسانی در قلمرو آن ها امیدوار بسازد.

خوشبختانه رییس جمهور غنی دیروز در یک پیام تلویزیونی به این پریشانی ها پاسخ داد و موارد غیر قابل مذاکره را بر شمرد. از نگاه رییس جمهور مسایلی چون وحدت ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، دولت مرکزی قوی، حقوق اساسی اتباع، منافع ملی افغانستان و روابط با شرکای بین المللی و منطقوی بخشی از مسایلی اند که غیر قابل مذاکره و غیر قابل بحث اند.

موارد ذکر شده در کلمات رییس جمهور نکات کلیدی اند که بسیاری از چیزهای دیگر را هم شامل می شوند. به عنوان مثال وقتی حقوق اساسی اتباع گفته می شود، همه ارزش های اساسی ذکر شده در قانون اساسی در آن مندرج است. یا مثلا وحدت ملی و حاکمیت ملی، دولت مرکزی قوی و منافع ملی از مواردی اند که هیچ شهروندی در این کشور نمی تواند چشم خود را بر زیر پا گذاشتن آن ها ببندد.

در این میان؛ اما اگر بخواهیم واقعا برشماریم، موارد زیادی هستند که نمی توان بر سر آن ها مذاکره کرد و یا به بهانه صلح آن ها را به فراموشی سپرد. تمام موارد یادشده به نحوی معطوف به آینده است. حقوق اساسی اتباع،

منافع ملی و یا وحدت ملی و تمامیت ارضی از مواردی اند که در آینده حاصل می‌شوند. اما یک مورد مهم است که نمی‌توان آن را به بهانه صلح قربانی کرد و متعلق به گذشته است. این مورد مهم و اساسی «عدالت» است. عدالت تنها یک مقوله نیست؛ بلکه امری مربوط به گذشته و در تجربه زیسته مردمان این مرزوبوم قربانی شده است و باید امروزه دامن کسانی را که در گذشته آن را زیر پا گذاشته اند، بگیرد.

متأسفانه در زمان آقای کرزی در مورد عدالت و عدالت انتقالی مذاکره صورت گرفت و در واقع فرصت‌های تاریخی بار دیگر به کسانی سپرده شد که عدالت را زیر پا کرده بودند و متهم به جنایت جنگی و یا حتی جنایت علیه بشریت بودند. اکنون نیز به همان میزان که ارزش‌ها و دستاوردهای سال‌های اخیر مهم اند و نباید قربانی شوند، عدالت نیز نباید به فراموشی سپرده شود و کسانی که جنایت‌های بزرگی را علیه مردم افغانستان مرتکب شده‌اند، بخشیده شوند.

مهمترین بحث در مذاکرات صلح حتی از ارزش‌های مندرج در قانون اساسی، بحث عدالت است. کسانی که با بدترین شیوه‌های ممکن دست به آدم‌کشی و نسل‌کشی زده‌اند، باید در برابر مردم افغانستان و بازماندگان شهدا و تاریخ این سرزمین پاسخگو باشند. هیچ‌کسی نمی‌تواند خون بهترین جوانان را که یک هفته قبل در یک مرکز نظامی در میدان وردک به شهادت رسیدند، فراموش کند. حس کودکانی که حسرت بازگشت پدر از جنگ را تا آخر عمر بر شانه‌های خود حمل می‌کنند، هرگز قابل فراموشی نیست. بحث تقدم عدالت بر صلح و یا صلح بر عدالت به همان اندازه که به لحاظ نظری مهم و پیچیده است، در عالم واقع نیز پیچیده است.

